

تأثیر کمیته‌های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود

لیلا جعفری^{۱*}

علی اصغر متقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

چکیده

همانطوری که آشکار است در نتیجه نظارت کمیته های حسابرسی، مدیریت و تصمیم گیرندگان با توجه به تأثیری که حسابرسان بر شفافیت محیط گزارشگری مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارزش شرکت دارند، بیشتر در ارتباط با فرصت های سرمایه گذاری خود و کارایی سرمایه گذاری ها برنامه ریزی کرده و از اینرو بر ارزشگذاری واقعی سهام شرکت ها از طرف سرمایه گذاران تأثیر بسزایی می تواند داشته باشد. در این تحقیق نیز به بررسی ارتباط بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود، ارتباط بین کمیته های حسابرسی و مدیریت سود و نقش کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود با استفاده از مدل پانل دیتا در بین ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴ می پردازد. نتایج آزمون فرضیات تحقیق نشان داد که فرضیه اول تحقیق تایید و به عبارت دیگر بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد و این اثر منفی است به عبارت دیگر بیش ارزشیابی باعث افزایش مدیریت سود می شود و کمیته حسابرسی باعث کاهش اثر بیش ارزشیابی سهام بر مدیریت سود می شود. همچنین فرضیه دوم تحقیق تایید و بطوریکه بین ضریب کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب اثر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود در آزمون فرضیه سوم بطور معنی داری تایید شد و بطوریکه کمیته های حسابرسی منجر به کاهش اثر بیش ارزشیابی سهام بر مدیریت سود می شود. سایر نتایج نشان داد که در هر سه مدل، معنی داری اثر مثبت اندازه شرکت و فرصت های رشد بر مدیریت سود تایید و اثر منفی اهرم مالی بر مدیریت سود تایید و با افزایش درجه اهرم مالی میزان مدیریت سود نیز کاهش می یابد.

واژگان کلیدی

کمیته حسابرسی، بیش ارزشیابی، مدیریت سود، بورس اوراق بهادار تهران

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تبریز، ایران.

^۲ دکتری تخصصی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تبریز، ایران.

۱. مقدمه

یکی از معیارهای مهم و اصلی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیمات مالی، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و به عبارت دیگر ارزیابی عملکرد مدیریت و سودآوری شرکت می‌باشد. سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می‌کنند تا با انتخاب روش‌های مجاز حسابداری، نتایج قابل پیش‌بینی و ثابت خلق کنند؛ زیرا اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه‌ی بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی^۱ مدیران می‌توانند از انگیزه‌ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند. مدیریت سود یکی از موضوع‌های پرطرفدار بین سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، تحلیل‌گران و عموم کاربران صورت‌های مالی است. به گفته‌ی فیشر مدیریت سود دخالت هدفمند مدیران در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است. یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ارتقای کیفیت حسابرسی است؛ زیرا شرکت‌هایی که سود را دستکاری و مدیریت می‌کنند، بیشتر مستعد این هستند که گزارش حسابرسی تعدیل‌شده (غیرمقبول) داشته باشند (سجادی و عربی، ۱۳۸۹).

جنین و پیوت^۲ (۲۰۰۵) معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود و به عبارت دیگر افزایش نظارت بر عملکرد مدیریت می‌باشد؛ زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند؛ زیرا موسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب و نظارت بیشتر بر عملکرد مدیریت هستند. بطور کلی مؤسسات و کمیته‌های حسابرسی در صدد ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالایی می‌باشند، چرا که علاقه‌مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و به دلیل اینکه تعداد مشتریان آنان زیاد است، نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. به همین جهت نیز نبود شفافیت در تصمیم‌گیری و عدم ارائه منظم اطلاعات مربوط برای پاسخگویی به انتظارات منطقی، بنگاه‌های خصوصی را مجبور می‌کند تا با بررسی بیشتر انتظارات خود، قابلیت تغییر پذیری ارزش دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش داده در نتیجه ریسک بالاتری را برای سرمایه‌گذاری‌های خود متصور شوند، میزان دقت اطلاعاتی که گزارشگری مالی در مورد جریان‌های نقد مورد انتظار در اختیار ذینفعان قرار می‌دهد، به عنوان کیفیت حسابداری مطرح می‌شود. کیفیت حسابداری، و به طور عام تر کیفیت

گزارشگری مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران از یک سو و بین مدیران و سرمایه گذاران از سوی دیگر، کارآیی سرمایه گذاری را افزایش می دهد (خالقی مقدم و خالق، ۱۳۸۸).

از طرفی دیگر در نتیجه نظارت کمیته های حسابرسی، مدیریت و تصمیم گیرندگان با توجه به تأثیری که حسابسان بر شفافیت محیط گزارشگری مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارزش شرکت دارند، بیشتر در ارتباط با فرصت‌های سرمایه گذاری خود و کارایی سرمایه گذاری‌ها برنامه‌ریزی کرده و از اینرو بر ارزشگذاری واقعی سهام شرکت‌ها از طرف سرمایه گذاران تأثیر بسزایی می تواند داشته باشد. چرا که آشکار است که سرمایه گذاران از مجموعه اطلاعات موجود خود به منظور پیش بینی جریان وجه نقد استفاده می کنند و به یک برآورد قیمت می رسند. هنگامیکه اطلاعات ارزشی جدیدی بدست می آید، آنها پیش بینی خود از جریان وجه نقد را به منظور تعیین قیمت جدید، به روز می کنند. در نتیجه فرض می شود که وقتی اطلاعات حسابداری بخشی از مجموعه اطلاعاتی است که سرمایه گذارها برای پیش بینی جریان های نقدی استفاده می کنند، در نتیجه حسابرسی ضعیف، دارای کیفیت گزارشگری مالی ضعیف باشد، بنابراین احتمالاً با کیفیت پایین تر پیش بینی های جریان وجه نقد مرتبط بوده و از اینرو پیش بینی جریان نقدی که در نتیجه ی کیفیت پایین مجموعه گزارشگری مالی صورت گرفته، بیشتر از پیش بینی جریان نقدی ناشی از کیفیت بالای مجموعه گزارشگری مالی، منجر به برآورد قیمت نامطمئن به صورت بیش ارزشگذاری می شود و وقتی یک نااطمینانی در برآورد قیمت وجود دارد، به تدریج سرمایه گذاران احتمالاً بر مبنای درک بهبود یافته‌ی خود و همچنین اطلاع از تشخیص سایر سرمایه گذارها، درصدد اصلاح تشخیص قیمت اولیه ی خود برمی آیند، تا اینکه قیمت ها به ارزشهای بنیادی و ذاتی همگرا شود (چالن و همکاران، ۲۰۰۰).

لذا با توجه به مطالب مذکور شناخت تأثیرگذاری نقش کمیته های حسابرسی در امر حسابداری و سرمایه گذاری بسیار دارای اهمیت بوده و به همین جهت نیز مطالعات عمده ای در خصوص نقش و کارکرد حسابسان در زمینه های حسابداری صورت گرفته است؛ اما نکته ای که در مطالعات قبلی نادیده گرفته شده است اینست که تأثیر مستقیم نقش کمیته های حسابرسی به عنوان یکی از مؤلفه های شاخص کیفیت حسابرسی بر بیش ارزشگذاری و ارزشیابی سهام شرکت ها اندازه گیری نشده است و عمدتاً فقط به نقش و اثر کیفیت حسابرسی بر عملکرد شرکت‌ها بسنده شده است؛ به عبارت دیگر آشکار است که تأثیرگذاری کیفیت حسابرسی بر عملکرد کلی شرکت نمی تواند بیانگر نمایی از بیش ارزشگذاری سهام شرکت‌ها توسط سرمایه گذاران باشد؛ بنابراین مساله اصلی مطالعه به این صورت بیان می شود که تأثیر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود به چه صورتی می باشد؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

یکی از متداول ترین تعریف‌ها درباره حسابرسی، تعریفی است که توسط دی آنجلو^۴ (۱۹۸۱) مطرح شده است. دی آنجلو تعریف متداولی از کیفیت حسابرسی تحت عنوان «ارزیابی بازار» ارائه نموده است. ارزیابی بازار در واقع عبارت است از: احتمال اینکه حسابرس هم تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف کند و هم تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرس ارتباط

پیدا می‌کند. پالمروس^۵ (۱۹۸۸) کیفیت حسابرسی را بر حسب میزان اعتباردهی حسابرسی تعریف می‌کند. از آنجا که هدف از حسابرسی ایجاد اطمینان نسبت به صورت‌های مالی است، کیفیت حسابرسی به این عنوان تعریف می‌شود که صورت‌های مالی حسابرسی شده عاری از تحریفات با اهمیت باشد. در واقع این تعریف، بر نتایج حسابرسی تأکید می‌نماید. یعنی قابلیت اطمینان به صورتهای مالی حسابرسی شده، کیفیت حسابرسی را منعکس می‌کند. این تعریف به طرح پرسش زیر منتهی می‌شود: «چگونه استفاده‌کنندگان میزان قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی حسابرسی شده را ارزیابی می‌کنند؟» این تعریف از کیفیت حسابرسی مبتنی بر حسابرسی‌های انجام شده است؛ زیرا سطح اطمینان صورت‌های مالی حسابرسی شده را نمی‌توان قبل از انجام حسابرسی تعیین کرد. در نتیجه، تعریف پالمروس بر کیفیت واقعی حسابرسی تأکید دارد.

بی تردید یکی از مهم‌ترین مسوولیت‌های نظارتی هیات مدیره شرکت‌ها، نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی و ارائه گزارش‌های مالی منصفانه و مطلوب است. هیات مدیره معمولاً بخشی از این مسوولیت خطیر را به کمیته حسابرسی، که یکی از کمیته‌های زیرمجموعه هیات مدیره است، تفویض می‌کند.

شکل ۱ زنجیره گزارشگری مالی در شرکت‌ها را به تصویر می‌کشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، کمیته حسابرسی به عنوان بخش مهمی از زنجیره گزارشگری شرکت‌ها درآمده است. هر گروه از این زنجیره، نقش‌ها و مسوولیت‌های خاص خود را در رابطه با ارائه اطلاعات مالی به بازار دارد. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های زیرمجموعه هیات مدیره، ارتباط بین این گروه‌ها را برقرار می‌کند. این کمیته می‌تواند فشار بر هیات مدیره پرمشغله را کاهش دهد، زیرا امکان صرف وقت بیشتر بر روی مسائل مربوط به گزارشگری مالی و کنترل‌های داخلی شرکت را دارد و با انجام گفتگوهای هدفمند با حسابرسان داخلی و مستقل شرکت، امکان ارتقای استقلال هر دو گروه از حسابرسان را فراهم می‌آورد (حساس یگانه و غلام زاده، ۱۳۹۲).

شکل ۱: زنجیره گزارشگری مالی در شرکت‌ها



۲-۱. پیشینه پژوهش

قردران و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های کلیدی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند در این پژوهش از معیارهای وجود کمیته، اندازه کمیته، استقلال کمیته و تخصص مالی اعضای کمیته به عنوان

ویژگیهای کمیته حسابرسی، و از مدل تعدیل شده جونز به عنوان معیار مدیریت سود تعهدی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ۱۸۸ شرکت و دوره سه ساله مطالعه، سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۴ را در بر میگیرد. نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس مدل رگرسیونی چندگانه حاکی از آن است که بین اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معنادار، و بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه معکوس و معناداری برقرار است. در عین حال، بین وجود و استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری مشاهده نگردید.

صفری گرایلی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۳۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ انتخاب گردید. اثربخشی کمیته حسابرسی (متغیر پنهان) توسط متغیرهای مشاهده پذیر تخصص مالی، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری نیز بر اساس مدل اولسن (۱۹۹۵) اندازه‌گیری شد که در این مدل، رابطه سود هر سهم با ارزش بازار به عنوان شاخصی از اطلاعات صورت سود و زیان و رابطه ارزش دفتری هر سهم با ارزش بازار به عنوان شاخصی از اطلاعات ترازنامه در نظر گرفته میشود. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول بودن الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی، مربوط بودن ارزش سود (محتوای ارزشی اطلاعات سود و زیان) و مربوط بودن ارزش دفتری هر سهم (محتوای ارزشی اطلاعات ترازنامه) را افزایش می‌دهد.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگیهای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، مطالعات حسابداری و حسابرسی پرداختند این پژوهش با استفاده از چارچوب تئوری نمایندگی به بررسی تأثیر ویژگیهای کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، از طریق اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری می‌پردازد. این ویژگیها شامل تخصص مالی، استقلال، تجربه و اندازه کمیته حسابرسی است. داده‌های پژوهش بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۳۱۰ مشاهده سال شرکت در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، آزمون شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ اما برخلاف انتظار محققین بین تجربه کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید. در ادامه یافته‌ها نشان داد که بین استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد.

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده مورد بررسی قرار دادند در این پژوهش داده‌های ۹۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس تهران که کمیته حسابرسی دارند، جمع‌آوری شد و فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل ضرایب رگرسیون، آزمون شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش‌بینی سود رابطه مثبت دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت وجود اعضای باتخصص مالیدر کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد و اطلاعات قابل اتکاتری در اختیار مدیریت قرار می‌گیرد و پیش‌بینی سود با دقت بیشتری برآورد می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش‌بینی‌های سود ارتباطی منفی دارد.

کوهن و زاروین (۲۰۱۰) با بررسی هر دو نوع مدیریت سود دریافتند که مدیران در زمان عرضه فصلی سهام، اغلب درگیر مدیریت سود واقعی هستند و کاهش عملکرد در زمان عرضه فصلی سهام بیشتر در نتیجه مدیریت سود از طریق

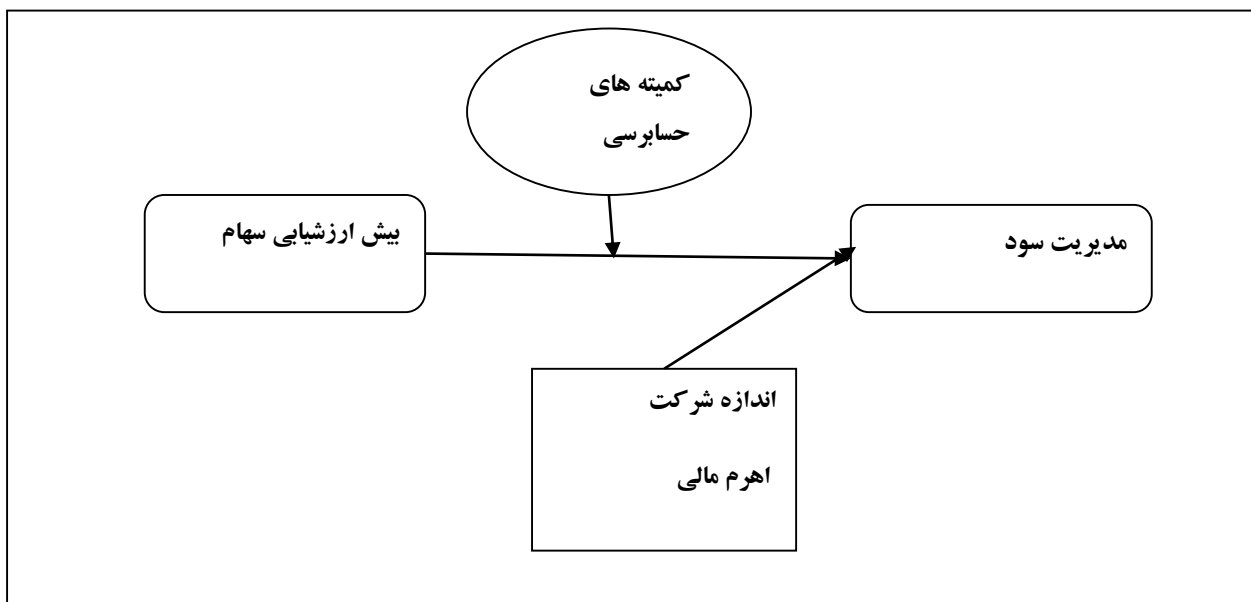
فعالیت های واقعی است تا مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی؛ زیرا دستکاری فعالیت های واقعی نتایج اقتصادی واقعی به همراه دارد.

هامز و همکاران^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و ارزش گذاری بالای سهام به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری در شرکتهای با ارزش گذاری بالا پرداختند. آنها برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از چهار معیار اندازه، تخصص در صنعت، طول دوره تصدی طولانی و حسابرسان متخصص در صنعت با طول دوره تصدی طولانی استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که در شرکتهای با ارزش گذاری بالا ارتباط معکوس بین ارقام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی کاهش می یابد.

۳. روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از جهت هدف، یک تحقیق کاربردی، از جهت روش یک تحقیق همبستگی از نوع استقرائی است؛ به عبارت دیگر نتیجه نهایی، برای آزمون رد یا تایید فرضیه ها از راه استقرایی انجام گردیده است. در نهایت، از آنجایی که اطلاعات متغیرهای مستقل و وابسته مربوط به گذشته می باشند، تحقیق حاضر از نوع پس رویدادی می باشد. همچنین از آنجا که تحقیق حاضر، تحقیق توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیون است که با در نظر گرفتن فرضیات تحقیق و همچنین جامعه آماری و دوره زمانی تحقیق براساس روش تحلیل ترکیبی داده ها (پانل دیتا) به بررسی موضوع مورد مساله می پردازد. تحقیق حاضر در حوزه تحقیقات اقتصادسنجی رگرسیون چندمتغیره می باشد؛ بنابراین برای طراحی مدل تحقیق از فرآیند تحقیقات کلاسیک تحقیقات اقتصادسنجی استفاده خواهد شد. مدل مفهومی تحقیق با توجه به مطالب فصل دوم یعنی مبانی تئوری و با در نظر گرفتن سوابق تجربی به صورت زیر ارائه می شود:

نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق



فرضیات تحقیق با استفاده از مدل های رگرسیون زیر مورد آزمون قرار می گیرند.

مدل تحقیق برای آزمون فرضیه اول:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OV_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل تحقیق برای آزمون فرضیات دوم:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACOM_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل تحقیق برای آزمون فرضیات سوم:

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OV_{it} + \beta_2 ACOM_{it} + \beta_3 (ACOM_{it} * OV_{it}) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل‌های بالا، EM مدیریت سود، OV بیش ارزشیابی سهام، ACOM کمیته‌های حسابرسی، Size اندازه شرکت، Lev اهرم مالی، Growth فرصت‌های رشد می‌باشد.

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای و مراجعه به کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار و استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین و مراجعه به وب سایت متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار^۷ (مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی)، جمع‌آوری خواهد گردید. همچنین صورت‌های مالی شرکت‌ها شامل ترازنامه، صورت جریان وجوه نقد و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی در پایان هر سال مالی (۲۹ اسفند ماه) به عنوان ابزار تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه تحقیق شامل تعداد ۱۵۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴ که شامل ۶۰۰ سال-شرکت می‌باشد. در تحقیق حاضر برای بررسی بین متغیرهای فرضیه‌ها، اطلاعات مربوط به شرکت‌های نمونه، ابتداء محاسبات اولیه در صفحه گسترده نرم افزار^۸ انجام گرفته و داده‌ها برای تجزیه و تحلیل آماده خواهد گردید، سپس به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های نهایی از نرم افزار Eviews استفاده خواهد شد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

همانطوری که در فصل قبل نیز اشاره شد اندازه نمونه پس از شرای انتخاب نمونه به تعداد ۱۵۰ شرکت رسید که داده‌های مربوط به سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۴ برای جامعه آماری مورد نظر جمع‌آوری گردید. البته باید اشاره کرد که در برخی از سالها برخی اطلاعات این شرکت‌ها در دسترس نبوده است. در این بخش در مورد ویژگی‌های آماری نمونه و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت می‌گیرد. در بخش توصیفی این تحقیق، جهت توصیف متغیرهای تحقیق از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی و نمودارهای ترسیمی و جدولی استفاده شده است. اندازه‌های گرایش مرکزی با شاخص‌های میانگین، میانه و نما و اندازه‌های پراکندگی با شاخص‌های انحراف استاندارد، واریانس و ضرایب چولگی و کشیدگی بررسی می‌شود. در ادامه آمار توصیفی به تحلیل همبستگی بین متغیرهای مدل مفهومی پرداخته می‌شود.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که طبق نتایج جدول آمار توصیفی مشاهده می‌شود که هریک از متغیرهای مدیریت سود (EM)، بیش ارزشیابی سهام (OV)، اندازه شرکت (Size)، اهرم مالی (Lev) و فرصت‌های رشد (Growth) دارای ۶۰۰ سطر مشاهدات (بعد از کسر درجه آزادی و سطر مشاهداتی که برخی از متغیرها فاقد اعداد بوده اند) در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴ در بین ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. میانگین متغیرهای مذکور به ترتیب برابر ۷۹۹۵۱۸٫۹، ۴۵٫۰۴۳۱۲، ۱۴٫۱۶۵۱۸، ۰٫۹۴۳۰۲۲ و ۳٫۰۶۰۵۱۶ می‌باشد. انحراف استاندارد متغیرهای مدیریت سود، بیش ارزشیابی سهام، اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های رشد به ترتیب برابر ۳۱۱۵۲۹۷، ۵۲۳٫۸۲۱۷، ۱٫۵۰۷۲۵۷،

^۷www.rdis.ir

^۸Excel

۱,۰۱۵۳۴۹ و ۲,۱۸۶۹۴۱ می‌باشد. ضرایب چولگی متغیرهای مذکور به ترتیب برابر ۶,۰۴۹۶۷۵، ۱۶,۶۶۸۸۴، ۰,۱۴۵۷۲۱، ۱۳,۰۰۶۱۶ و ۱,۶۷۷۰۸۸ بوده که حاکی از آن است که منحنی متغیرها در مقایسه با توزیع نرمال انحراف معنی داری دارد. این شاخص‌ها بیان می‌کند که متغیرها با آنکه مشاهده دورافتاده در دامنه راست و یا چپ توزیع واقع شده و تراکم مشاهده در محور شاخص‌های مرکزی خفیفتر است، اما تفاوت جدی با چولگی توزیع نرمال ندارد.

جدول ۱: آمار توصیفی.

فرصت‌های رشد	اهرم مالی	اندازه شرکت	بیش ارزشیابی سهام	مدیریت سود	متغیر
Growth	LEV	SIZE	OV	EM	نماد
3.060516	0.943022	14.16518	45.04312	799518.9	میانگین
2.359080	0.824850	13.87345	6.265193	138404.9	میانه
12.73120	16.85920	19.00938	8994.796	31305177	ماکزیمم
0.007267	0.022800	10.67146	-236.0828	-8151503.	مینیمم
2.186941	1.015349	1.507257	523.8217	3115297.	انحراف معیار
1.677088	13.00616	0.845721	16.66884	6.049675	ضریب چولگی
5.963956	202.2889	3.928998	284.0825	48.75407	ضریب کشیدگی
1772.039	565.8133	8499.108	26980.83	4.80E+08	مجموع
2764.407	617.5288	1360.822	1.64E+08	5.81E+15	مجموع انحراف مربعات
600	600	600	600	600	تعداد مشاهدات

منبع: محاسبات تحقیق.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که طبق نتایج جدول آمار توصیفی مشاهده می‌شود که متغیر کمیته حسابرسی (ACOM)، دارای ۵۴۷ سطر مشاهدات (بعد از کسر درجه آزادی و سطر مشاهداتی که برخی از مشاهدات فاقد اعداد بوده اند) در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴ در بین ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. میانگین متغیر کمیته حسابرسی برابر ۱۴/۶۰۴۰، می‌باشد. انحراف استاندارد متغیر کمیته حسابرسی برابر ۱/۵۴۲۱، بوده که حاکی از آن است که منحنی متغیر مذکور در مقایسه با توزیع نرمال انحراف معنی داری دارد. این شاخص بیان می‌کند که متغیر کمیته حسابرسی تفاوت جدی با چولگی توزیع نرمال ندارد.

جدول ۲: آمار توصیفی کمیته حسابرسی

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کمیته حسابرسی	۵۴۷	۱۴/۶۰۴۰	۱/۵۴۲۱	۱۱/۱۱۶۰	۲۰/۱۸۳۳

منبع: محاسبات تحقیق.

همبستگی عادی و اسپیرمن بین متغیرهای مدل نیز در جدول ۲ قید شده است، تحلیل همبستگی ابزاری برای تعیین نوع و درجه رابطه یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است درواقع همبستگی دو متغیر هیچ گونه اطلاعاتی را در ارتباط با علیت متغیرهای مذکور نشان نمی‌دهد و صرفاً میزان هم جهتی متغیرها را نشان می‌دهد. نتایج جدول نشان می‌دهد که همبستگی

عادی بین مدیریت سود (EM) با شاخص بیش ارزشیابی سهام (OV)، کمیته‌های حسابرسی (ACOM)، اندازه شرکت (Size)، اهرم مالی (Lev) و فرصت‌های رشد (Growth) به ترتیب برابر ۰,۱۱-، ۰,۳۹، ۰,۵۰۸، ۲۲,۴۷، ۰,۴۱- و ۰,۰۸۸ می‌باشد؛ که از متغیرهای کدکور همبستگی بین مدیریت سود (EM) با شاخص بیش ارزشیابی سهام (OV)، و اهرم مالی (Lev) منفی و با بقیه متغیرها مثبت می‌باشد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی.

متغیر	مدیریت سود	بیش ارزشیابی سهام	کمیته‌های حسابرسی	اندازه شرکت	اهرم مالی	فرصت‌های رشد
مدیریت سود	1.000000					
t-Statistic	-----					
بیش ارزشیابی سهام	-	1.000000				
t-Statistic	-	-----				
کمیته‌های حسابرسی	0.031922	-0.027472	1.000000			
t-Statistic	1.216999	-1.047210	-----			
اندازه شرکت	0.508106	0.023214	-0.072554	1.000000		
t-Statistic	22.47947	0.884810	-2.771992	-----		
اهرم مالی	-	0.012102	-0.032397	0.111615	1.000000	
t-Statistic	-	0.461187	-1.235126	4.279833	-----	
فرصت‌های رشد	0.088211	0.015262	0.059559	0.098003	-	1.000000
t-Statistic	3.374453	0.581610	2.273521	3.752494	-	-----

منبع: یافته‌های تحقیق.

همچنین در صورتی که نیز تعداد داده‌ها و مشاهدات کم و فرض نرمال بودن آنها معقول نمی‌باشد از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌شود که مبتنی بر مقادیر اصلی نبوده و بر اساس رتبه داده‌ها محاسبه می‌گردد. ضریب همبستگی اسپیرمن مترادف ناپارامتریک ضریب همبستگی پیرسون است. زمانی که در صدد بررسی رابطه آماری بین دو متغیر با داده‌های رتبه‌ای باشیم این آزمون مناسب پیدا می‌کند. از جمله شرایط این آزمون آن است که دو متغیر می‌بایست تعداد گروه‌های زیادی داشته باشند تا رتبه بندی افراد مفهوم پیدا کند. جدول زیر نتایج همبستگی بین متغیرهای مدیریت سود با بیش ارزشیابی سهام، کمیته‌های حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های رشد را نشان می‌دهد.

نتایج جدول نشان می‌دهد که همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای بیش ارزشیابی سهام، کمیته‌های حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های رشد با شاخص مدیریت سود به ترتیب برابر ۰,۰۶، ۰,۱۲، ۰,۶۹، ۰,۰۸ و ۰,۴۰۲ می‌باشد که بیشترین همبستگی اسپیرمن در بین متغیرهای مذکور با اندازه شرکت و شاخص فرصت‌های رشد را دارد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی اسپیرمن

متغیر	مدیریت سود	بیش ارزشیابی سهام	کمیته‌های حسابرسی	اندازه شرکت	اهرم مالی	فرصت‌های رشد
مدیریت سود	1.000000					
t-Statistic	-----					
بیش ارزشیابی سهام	-	1.000000				
t-Statistic	-	-----				
کمیته‌های حسابرسی	0.124332	-0.047601	1.000000			
t-Statistic	4.774717	-1.815894	-----			
اندازه شرکت	0.693969	-0.028829	-0.069308	1.000000		
t-Statistic	36.72725	-1.098980	-2.647367	-----		
اهرم مالی	0.084522	0.039886	-0.041319	0.219817	1.000000	
t-Statistic	3.232276	1.521076	-1.575818	8.586148	-----	
فرصت‌های رشد	0.402134	-0.086491	0.156177	0.106934	0.232027	1.000000
t-Statistic	16.73623	-3.308145	6.025071	4.098239	9.089478	-----

منبع: محاسبات تحقیق.

۳-۴- نتایج آزمون مانایی

همانطوری که در فصل قبل نیز اشاره گردید چنانچه آمارهای متغیرهای مورد استفاده در برآورد پارامترهای یک مدل، نامانا باشد، احتمال اینکه رگرسیون بدست آمده کاذب باشد بسیار بالاست و آزمون‌های آماری متعارف مورد تردید قرار می‌گیرد. مطالعات محققان نشان داده است که در صورت عدم تحقق فرض مانایی یا همان پایداری متغیرها، احتمال آنکه نتایج آماری حاصل تنها یک رگرسیون جعلی بوده و نشانگر هیچگونه رابطه حسابداری واقعی و تعادلی نباشد، افزایش می‌یابد؛ بنابراین بررسی ارتباط حقیقی متغیرهای مالی و حسابداری از اهمیت خاصی برخوردار است. نتایج حاصل از آزمون پایداری متغیرها برای تمام متغیرهای مورد استفاده در جدول (۴) زیر نشان داده شده است.

جدول ۵: آزمون مانایی سطح متغیرها

نتیجه نهایی	لوین-لین و چاو		آماره دیکي فولر	
	آماره آزمون	سطح معنی	آماره آزمون	سطح معنی
مدیریت سود	-۱۰۹۷	۰,۰۰	۴۰۹,۷	۰,۰۰
بیش ارزشیابی سهام	-۳۴,۳۷	۰,۰۰	۷۱۹,۳	۰,۰۰
کمیته‌های حسابرسی	-۹,۰۰	۰,۰۰	۱۹۴,۴	۰,۰۰
اندازه شرکت	-۸,۴۵	۰,۰۰	۲۸۴,۲	۰,۷۳
اهرم مالی شرکت	-۲۱,۷۷	۰,۰۳	۵۸۳,۵	۰,۰۰
فرصت‌های رشد	-۱۸,۹۵	۰,۰۰	۴۷۲,۵	۰,۰۰

منبع: محاسبات تحقیق.

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود بر اساس آزمون لوین-لین، چاو همه متغیرهای مدیریت سود بیش ارزشیابی سهام، کمیته‌های حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های رشد در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مانا می‌باشند. همچنین بر اساس آزمون دیکي فولر تمامی متغیرهای مذکور در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز مانا می‌باشد؛ بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که تمامی متغیرهای تحقیق به صورت سطح مانا یا پایدار می‌باشند یعنی میانگین و واریانس آن در طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی تنها به فاصله یا وقفه بین دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس ندارد؛ به عبارت دیگر پایداری داده‌های مورد استفاده در تحقیق قبل از برآورد مدل‌های تحقیق مورد تأیید واقع می‌شوند.

۴-۴- نتیجه آزمون فرضیه اول تحقیق

فرضیه اول: بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود رابطه وجود دارد.

همانطوری که در فصل سوم اشاره گردید با توجه به مبانی تئوری مدل تحقیق برای آزمون فرضیه اول به صورت زیر ارائه گردید.

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OV_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

بنابراین با توجه به فرضیات فوق و همچنین مدل بالا می‌توان فرضیه آماری اول را که به منظور بررسی معنی دار ضریب بیش ارزشیابی استفاده کرد، به صورت زیر ارائه نمود:

$$H_0 : \beta_{1,OV} = 0$$

$$H_1 : \beta_{1,OV} \neq 0$$

قبل از برآورد مدل تحقیق به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات مشترک، اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مدل تصریح شده مناسب‌تر است از دو آزمون چاو (F لیمر) و آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم. نتایج حاصل از آزمون چاو در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون چاو برای مدل اول

آزمون اثرات	آماره	درجه آزادی	سطح معنی	روش
آزمون چاو (F)	۲,۵۶	۱۴۸,۱	۰,۰۰	اثرات ثابت
آماره کای اسکوئر	۴,۸۸	۴	۰,۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته های محقق

نتایج جدول نشان می دهد با توجه به آماره آزمون چاو یعنی ۲,۵۶ فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش POOLED رد می شود و در این مرحله رگرسیون مقید یا همان روش حداقل مربعات معمولی دارای اعتبار نمی باشد. آماره کای اسکوئر بدست آمده برای مدل اول ۴,۸۸ شانگر اینست که روش اثرات ثابت تایید می شود و لذا برای برآورد نهایی از روش اثرات ثابت استفاده می شود. نتایج حاصل از برآورد مدل مفهومی تحقیق در قالب مدل پانل متوازن و با لحاظ روش متقاطع وزنی حداقل مربعات تعمیم یافته و همچنین روش معمولی برای کوواریانس ضرایب در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۷: نتایج برآورد مدل اول

متغیر وابسته: مدیریت سود				
$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OV_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$				
روش برآورد: حداقل مربعات تعمیم یافته وزنی پانلی. (Panel EGLS)				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی
عرض از مبدأ	-7664316.	1469585.	-5.215294	0.0000
بیش ارزشیابی سهام	-180.5254	103.2702	-1.748088	0.0807
اندازه شرکت	609583.1	107371.2	5.677340	0.0000
اهرم مالی شرکت	-402882.1	107307.8	-3.754455	0.0002
فرصت های رشد	81709.91	31338.22	2.607356	0.0092
R2 ضریب تعیین	0.749859			
R2 Adjusted	0.716288			
آماره F	22.33619			
سطح معنی آماره F	0.000000			
آماره دوربین واتسون	2.158206			

منبع: یافته های محقق.

مطابق با داده های جدول ۷ نظر به اینکه سطح معنی داری آماره F (۰,۰۰) کمتر از ۰,۰۵ بوده و بنابراین می توان گفت که شاخص نیکویی برازش مدل یعنی آماره F معنی دار است و در نتیجه اثر همزمان متغیرهای مستقل و کنترلی بر متغیر وابسته در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنی دار بوده و حاکی از کاذب نبودن مدل رگرسیون برآوردی می باشد و مدل رگرسیون معنی دار است. در این مدل آماره دوربین واتسون تقریباً برابر ۲,۱۵ بوده که نشان می دهد همبستگی بین مانده های متوالی

وجود ندارد. ضریب تعیین (R^2) مدل مدیریت سود حاکی از آن است که حدود ۷۵ درصد از تغییرات مدیریت سود شرکت‌های مورد مطالعه توسط متغیرهای بیش ارزشیابی سهام، اندازه شرکت، اهرم مالی شرکت و فرصت‌های رشد شرکت توضیح داده می‌شود و به عبارت دیگر ۷۵ درصد مدیریت سود توسط متغیرهای مذکور پیش‌بینی می‌شود. نتایج جدول نشان می‌دهد ضریب شاخص بیش‌ارزشگذاری برابر منفی ۱۸۰٫۵ می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره t (۰٫۰۰) کمتر از ۰٫۱۰ (ده درصد) است از اینرو فرضیه اول تحقیق تایید می‌شود و به عبارت دیگر بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود رابطه معنی‌داری وجود دارد و این اثر منفی است؛ به عبارت دیگر شاخص مدیریت سود شرکت‌های مورد بررسی در با افزایش هر واحد بیش‌ارزشگذاری سهام بطور متوسط با ثابت ماندن سایر شرایط به میزان ۱۸۰٫۵ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید شد.

سایر نتایج نشان می‌دهد معنی‌داری اثر اندازه شرکت و فرصت‌های رشد بر مدیریت سود شرکت‌های مورد بررسی بطور مثبت معنی‌دار است و همچنین اثر منفی اهرم مالی بر مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌شود، به عبارتی با افزایش درجه اهرم مالی میزان مدیریت سود نیز در شرکت‌های مورد بررسی کاهش می‌یابد.

۴-۵- نتیجه آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: بین کمیته‌های حسابرسی و مدیریت سود رابطه وجود دارد.

با توجه به مبانی تئوری مدل تحقیق برای آزمون فرضیه دوم به صورت زیر ارائه گردید.

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACOM_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه آماری دوم به منظور بررسی معنی‌دار ضریب کمیته حسابرسی ($ACOM$) به صورت زیر ارائه نمود:

$$H_0 : \beta_{1,ACOM} = 0$$

$$H_1 : \beta_{1,ACOM} \neq 0$$

قبل از برآورد مدل تحقیق برای گروه شرکت‌های مورد مطالعه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج آزمون چاو برای مدل دوم

آزمون اثرات	آماره	درجه آزادی	سطح معنی	روش
آزمون چاو (F)	۴٫۷۷	۱۴۸	۰٫۰۰	اثرات ثابت
آماره کای اسکوتر	۳٫۶۹	۴	۰٫۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های محقق

نتایج جدول نشان می‌دهد با توجه به آماره آزمون چاو ی (۴٫۷۷) فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش POOLED رد و همچنین طبق آماره کای اسکوتر (۳٫۶۹) روش اثرات ثابت تایید می‌شود و نتایج حاصل از برآورد مدل مفهومی تحقیق در قالب مدل پانل متوازن و با لحاظ روش متقاطع وزنی حداقل مربعات تعمیم یافته و همچنین روش معمولی برای کوواریانس ضرایب در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۹: نتایج برآورد مدل دوم

متغیر وابسته: مدیریت سود				
$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACOM_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$				
روش برآورد: حداقل مربعات تعمیم یافته وزنی پانلی. (Panel EGLS (Cross-section weights))				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی
عرض از مبدأ	-2509984.	290705.6	-8.634107	0.0000
کمیت حسابرسی	-29077.82	16408.31	-1.772140	0.0766
اندازه شرکت	229866.0	21262.15	10.81104	0.0000
اهرم مالی شرکت	-137578.8	16390.25	-8.393943	0.0000
فرصت های رشد	20283.05	4901.160	4.138418	0.0000
R2 ضریب تعیین	0.809609			
R2 Adjusted	0.784146			
آماره F	31.79529			
سطح معنی آماره F	0.000000			
آماره دوربین واتسون	2.020430			

منبع: یافته های محقق.

مطابق نتایج جدول ۹ طبق سطح معنی داری آماره F (۰,۰۰) که کمتر از ۰,۰۱ است، نتیجه حاکی از معنی دار بودن مدل رگرسیون است. آماره دوربین واتسون (۲,۰۲) عدم همبستگی بین جملات اخلال برقرار است.

ضریب تعیین (R2) مدل مدیریت سود حاکی از آن است که ۸۰ درصد از تغییرات مدیریت سود شرکت های مورد مطالعه توسط متغیرهای کمیت حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی شرکت و فرصت های رشد شرکت توضیح داده می شود. طبق نتایج جدول توجه به اینکه سطح معنی داری آماره t مربوط به ضریب کمیت حسابرسی (۰,۰۷) کمتر از ۰,۰۱ (ده درصد) است از اینرو فرضیه دوم تحقیق نیز تایید می شود و به عبارت دیگر بین ضریب کمیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد. بطوریکه در شرکت هایی که دارای کمیت حسابرسی می باشند، به مراتب شاخص مدیریت سود شرکت های مورد بررسی در مقایسه با سایر شرکت ها به طور متوسط به میزان ۲۹۰۷۷ واحد پایین تر می باشد؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق تایید شد.

سایر نتایج نشان می دهد همانند مدل اول، معنی داری اثر اندازه شرکت و فرصت های رشد بر مدیریت سود شرکت های مورد بررسی بطور مثبت معنی دار است و مشابه مدل اول نیز در این مدل برآوردی دوم اثر منفی اهرم مالی بر مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید و در واقع با افزایش درجه اهرم مالی میزان مدیریت سود نیز کاهش می یابد.

۴-۶- نتیجه آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: کمیت های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود تاثیر دارد. مدل برای آزمون فرضیه سوم به صورت زیر ارائه گردید.

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OV_{it} + \beta_2 ACOM_{it} + \beta_3 (ACOM_{it} * OV_{it}) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه آماری سوم به منظور بررسی معنی دار ضریب اثر کمیته‌های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود به صورت زیر ارائه نمود:

$$H_0 : \beta_3 = 0$$

$$H_1 : \beta_3 \neq 0$$

قبل از برآورد مدل تحقیق برای گروه شرکت‌های مورد مطالعه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱۰: نتایج آزمون چاو برای سوم

آزمون اثرات	آماره	درجه آزادی	سطح معنی	روش
آزمون چاو (F)	۴,۸۸	۱۴۸	۰,۰۰	اثرات ثابت
آماره کای اسکوتر	۵,۰۱	۶	۰,۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های محقق

طبق با توجه به آماره آزمون چاو و همچنین طبق آماره کای اسکوتر روش اثرات ثابت برای برازش مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱۱: نتایج برآورد مدل سوم

متغیر وابسته: مدیریت سود				
$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 OV_{it} + \beta_2 ACOM_{it} + \beta_3 (ACOM_{it} * OV_{it}) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$				
روش برآورد: حداقل مربعات تعمیم یافته وزنی پانلی. (Panel EGLS (Cross-section weights))				
متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی
عرض از مبدأ	-2558673.	520005.0	-4.920478	0.0000
بیش ارزش یابی	621.7450	294.9995	2.107614	0.0353
کمیته حسابرسی	-36577.17	13192.20	-2.772636	0.0057
بیش ارزش یابی * کمیته حسابرسی	-639.1545	296.8066	-2.153438	0.0315
اندازه شرکت	232966.1	38064.35	6.120323	0.0000
اهرم مالی شرکت	-136309.6	20644.38	-6.602744	0.0000
فرصت های رشد	20168.31	4914.187	4.104099	0.0000
R2 ضریب تعیین	0.810413			
R2 Adjusted	0.784590			
آماره F	31.38392			
سطح معنی آماره F	0.000000			
آماره دوربین واتسون	2.018043			

منبع: یافته‌های محقق.

در جدول بالا طبق نتایج آماده F معنی دار بودن مدل رگرسیون تایید و طبق آماره دوربین واتسون عدم همبستگی بین جملات اخلاقی تایید می شود. ضریب تعیین (R^2) برابر ۸۱ درصد بوده که نشانگر ۸۱ درصد تغییرات مدیریت سود شرکت های مورد مطالعه توسط متغیرهای سمت راست مدل توضیح داده می شود.

طبق نتایج جدول توجه به اینکه سطح معنی داری آماره t مربوط به ضریب اثر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود (β_3) کمتر از ۰,۱۰ است از اینرو فرضیه سوم تحقیق تایید می شود. در واقع کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود اثر معنی داری دارد؛ بنابراین فرضیه سوم تحقیق تایید شد.

سایر نتایج نشان می دهد همانند مدل اول و دوم، معنی داری اثر اندازه شرکت و فرصت های رشد بر مدیریت سود بطور مثبت معنی دار و در این مدل نیز اثر منفی اهرم مالی بر مدیریت سود تایید و با افزایش درجه اهرم مالی میزان مدیریت سود نیز کاهش می یابد.

بنابراین نتایج از آزمون فرضیات تحقیق مدل برآوردی برای کلیه شرکت های مورد مطالعه در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۱۲: خلاصه نتایج فرضیات تحقیق

فرضیه	شرح	نتیجه
اول	بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود رابطه وجود دارد	تایید
دوم	بین کمیته های حسابرسی و مدیریت سود رابطه وجود دارد	تایید
سوم	کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود تاثیر دارد	تایید

۵. نتیجه گیری

یکی از معیارهای مهم و اصلی برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیمات مالی، پیش بینی سودهای آینده و ریسک های مربوط به آن و به عبارت دیگر ارزیابی عملکرد مدیریت و سودآوری شرکت می باشد. سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می تواند برای بهتر جلوه دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می کنند تا با انتخاب روش های مجاز حسابداری، نتایج قابل پیش بینی و ثابت خلق کنند؛ زیرا اغلب سرمایه گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن ها دچار تغییرات عمده نمی شود نسبت به شرکت های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش بینی و مقایسه ی بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی مدیران می توانند از انگیزه ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند. مدیریت سود یکی از موضوع های پرتعداد بین سرمایه گذاران، قانون گذاران، تحلیل گران و عموم کاربران صورت های مالی است. به گفته ی فیشر مدیریت سود دخالت هدفمند مدیران در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است. یکی از راه های کاهش مدیریت سود ارتقای کیفیت حسابرسی است؛ زیرا شرکت هایی که سود را دستکاری و

مدیریت می‌کنند، بیشتر مستعد این هستند که گزارش حسابرسی تعدیل شده (غیرمقبول) داشته باشند (سجادی و عربی، ۱۳۸۹).

جنین و پیوت (۲۰۰۵) معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود و به عبارت دیگر افزایش نظارت بر عملکرد مدیریت می‌باشد؛ زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند؛ زیرا موسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب و نظارت بیشتر بر عملکرد مدیریت هستند. بطور کلی مؤسسات و کمیته‌های حسابرسی در صدد ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالایی می‌باشند، چرا که علاقه‌مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و به دلیل اینکه تعداد مشتریان آنان زیاد است، نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند. تصور بر این است که چنین مؤسسه‌ای به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. به همین جهت نیز نبود شفافیت در تصمیم‌گیری و عدم ارائه منظم اطلاعات مربوط برای پاسخگویی به انتظارات منطقی، بنگاه‌های خصوصی را مجبور می‌کند تا با بررسی بیشتر انتظارات خود، قابلیت تغییر پذیری ارزش‌داری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش داده در نتیجه ریسک بالاتری را برای سرمایه‌گذاری‌های خود متصور شوند، میزان دقت اطلاعاتی که گزارشگری مالی در مورد جریان‌های نقد مورد انتظار در اختیار ذینفعان قرار می‌دهد، به عنوان کیفیت حسابداری مطرح می‌شود. کیفیت حسابداری، و به طور عام تر کیفیت گزارشگری مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران از یک سو و بین مدیران و سرمایه‌گذاران از سوی دیگر، کارآیی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (خالقی مقدم و خالق، ۱۳۸۸). از طرفی دیگر در نتیجه نظارت کمیته‌های حسابرسی، مدیریت و تصمیم‌گیرندگان با توجه به تأثیری که حسابرسان بر شفافیت محیط گزارشگری مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارزش شرکت دارند، بیشتر در ارتباط با فرصت‌های سرمایه‌گذاری خود و کارایی سرمایه‌گذاری‌ها برنامه‌ریزی کرده و از اینرو بر ارزشگذاری واقعی سهام شرکت‌ها از طرف سرمایه‌گذاران تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد. چرا که آشکار است که سرمایه‌گذاران از مجموعه اطلاعات موجود خود به منظور پیش‌بینی جریان وجه نقد استفاده می‌کنند و به یک برآورد قیمت می‌رسند. هنگامیکه اطلاعات ارزشی جدیدی بدست می‌آید، آنها پیش‌بینی خود از جریان وجه نقد را به منظور تعیین قیمت جدید، به روز می‌کنند. در نتیجه فرض می‌شود که وقتی اطلاعات حسابداری بخشی از مجموعه اطلاعاتی است که سرمایه‌گذارها برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی استفاده می‌کنند، در نتیجه حسابرسی ضعیف، دارای کیفیت گزارشگری مالی ضعیف باشد، بنابراین احتمالاً با کیفیت پایین‌تر پیش‌بینی‌های جریان وجه نقد مرتبط بوده و از اینرو پیش‌بینی جریان نقدی که در نتیجه کیفیت پایین مجموعه گزارشگری مالی صورت گرفته، بیشتر از پیش‌بینی جریان نقدی ناشی از کیفیت بالای مجموعه گزارشگری مالی، منجر به برآورد قیمت نامطمئن به صورت بیش‌ارزشگذاری می‌شود و وقتی یک نااطمینانی در برآورد قیمت وجود دارد، به تدریج سرمایه‌گذاران احتمالاً بر مبنای درک بهبودیافته‌ی خود و همچنین اطلاع از تشخیص سایر سرمایه‌گذارها، درصدد اصلاح

تشخیص قیمت اولیه ی خود برمی آیند، تا اینکه قیمت ها به ارزشهای بنیادی و ذاتی همگرا شود (چالن و همکاران ۲۰۰۰). لذا با توجه به مطالب مذکور شناخت تاثیرگذاری نقش کمیته های حسابرسی در امر حسابداری و سرمایه گذاری بسیار دارای اهمیت بوده و به همین جهت نیز مطالعات عمده ای در خصوص نقش و کارکرد حسابرسان در زمینه های حسابداری صورت گرفته است؛ اما نکته ای که در مطالعات قبلی نادیده گرفته شده است اینست که تأثیر مستقیم نقش کمیته های حسابرسی به عنوان یکی از مؤلفه های شاخص کیفیت حسابرسی بر بیش ارزشگذاری و ارزشیابی سهام شرکت ها اندازه گیری نشده است و عمدتاً فقط به نقش و اثر کیفیت حسابرسی بر عملکرد شرکت ها بسنده شده است؛ به عبارت دیگر آشکار است که تاثیرگذاری کیفیت حسابرسی بر عملکرد کلی شرکت نمی تواند بیانگر نمایی از بیش ارزشگذاری سهام شرکت ها توسط سرمایه گذاران باشد؛ بنابراین مساله اصلی مطالعه به این صورت بیان می شود که تاثیر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود به چه صورتی می باشد؟ با توجه به مساله مذکور، فرضیاتی که در این تحقیق مطرح گردید، بشرح زیر است:

- بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود رابطه وجود دارد .
- بین کمیته های حسابرسی و مدیریت سود رابطه وجود دارد .
- کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود تاثیر دارد .

در راستای فرضیات بالای میتوان گفت که وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعات قبلی در این است که در مطالعات صورت گرفته شده در ارتباط با تاثیر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود به طور مستقیم بررسی نشده است و در عمده مطالعات بیشتر در ارتباط با نقش جداگانه حسابرسی و مدیریت سود در عملکرد شرکت ها عمدتاً مورد تاکید قرار گرفته است. لذا نوآوری تحقیق در اینست که بطور مستقیم و مستقل بررسی می کند که کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود چه تاثیری می تواند داشته باشد. از اینرو تحقیق حاضر از نخستین مطالعاتی است که به بررسی اثر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. قلمرو مکانی، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است.

چارچوب بندی و ساختار تحقیق نیز به این صورت انجام گرفت که در فصل دوم مبانی نظری تحقیق و مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در زمینه تاثیر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد بررسی قرار گرفت. فصل سوم به درروش تحقیق اختصاص یافت. در نهایت نیز در فصل چهارم جهت آزمون فرضیات از رویکرد پانل پویا پرداخته شده و فرضیه ها توسط روش آماری مناسب مورد آزمون قرار گرفتند. در فصل پنجم به ارزیابی نتایج آزمون فرضیه ها، نتیجه گیری کلی، پیشنهادها و محدودیت های تحقیق پرداخته شد.

در فصل دوم مبانی تئوری و تجربی مرتبط با مدیریت سود و شرکت مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در ابتدای فصل به تعریف حسابرسی پرداخته شد و بیان گردید که حسابرسان اطمینان منطقی فراهم می کنند که صورتهای مالی عاری از هرگونه تحریف و اشتباه بااهمیت هستند و اینکه حسابرسی، اثرهای نامساعد جدایی مالکیت از مدیریت را از طریق کاهش دادن نبود تقارن اطلاعات بین استفاده کنندگان صورتهای مالی و تهیه کنندگان آن، به حداقل می رساند با توجه به اینکه

مسئولیت پاسخگویی در زمینه کیفیت گزارشگری مالی با مدیریت واحد مورد رسیدگی است، حساب‌رسان مستقل می‌توانند بستر و شرایط لازم را برای کیفیت اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی فراهم کنند. پس به عبارتی می‌توان گفت که صورتهای مالی، محصول مشترک حساب‌رسان و واحد گزارشگر است. سپس به نقش کمیته‌های حسابرسی در نظارت بر گزارشگری مالی و همکاری با حساب‌رسان مستقل و حساب‌رسان داخلی بیان شد. سپس به بیان مدیریت سود پرداخته شد و اینکه فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می‌توان از روش‌های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می‌باشد. این انعطاف‌پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف‌پذیر است، یکپارچگی داده‌ها ارائه شده در صورتهای مالی کمتر می‌شود. اصول تطابق و محافظه‌کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود. در انتهای فصل دوم نیز به مبانی تجربی پرداخته شد و نشان داده شد که در مطالعات صورت گرفته شده نقش کمیته‌های حسابرسی در رابطه بین مدیریت سود و ارزشگذاری سهام بطور دقیق اندازه‌گیری نشده است و در عمده مطالعات بیشتر در ارتباط با نقش حسابرسی در مدیریت سود مورد تأکید قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر بصورت تجربی و آزمون فرض نشان داده نشده است که کمیته‌های حسابرسی چگونه در رابطه بین مدیریت سود و ارزشگذاری سهام تأثیرگذار می‌شود؛ به عبارت دیگر ارتقای یا تضعیف کیفیت حسابرسی در نتیجه نقش کمیته‌های حسابرسی چگونه در رابطه بین مدیریت سود و ارزشگذاری واقعی سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در مطالعات قبلی مورد بررسی قرار نگرفته است.

در فصل سوم نیز ابتدا به طور مختصر تعریفی از روش تحقیق ارائه شد و در ادامه ویژگی‌های تحقیق حاضر شرح داده شد. تحقیق حاضر از جنبه هدف از جمله تحقیقات کاربردی و از جنبه روش، تحقیق همبستگی است. همچنین تحقیق حاضر در حوزه تحقیقات اثباتی قرار خواهد گرفت و از آنجایی که از اطلاعات مربوط به رویدادهای گذشته استفاده شده، یک تحقیق پس رویدادی است. اشاره شد که همانطوری که از فرضیات تحقیق و جامعه آماری و دوره زمانی آشکار است، روش آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از رگرسیون چندمتغیره و با مدل پانل دیتا استفاده می‌شود. چرا که همانطوری که از دوره زمانی آشکار است و علاوه بر این چون تحقیق در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا از مدل داده‌های ترکیبی مقطعی و سری زمانی (یعنی مدل پانل دیتا) استفاده می‌شود. پانل دیتا یا همان داده‌های تابلویی اصطلاحی برای تلفیق مشاهدات مقطعی کشورها، شرکت‌ها و خانوارها و غیره طی دوره‌های زمانی چند ساله می‌باشد. بنابراین در ادبیات اقتصادسنجی، اطلاعات آماری مربوط به داده‌های ادغام شده از سری زمانی و مقطعی را پانل دیتا گویند، یعنی داده‌های مربوط به یک یا چندین متغیر در دوره‌ای خاص و برای چندین منبع مختلف. در بعضی مواقع، جدا کردن داده‌ها به صورت مقطعی و زمانی میسر نیست و یا تلفیق آن‌ها نتایج بهتری نسبت به تک تک آن‌ها به دست می‌دهد. در این شرایط استفاده از داده‌های تلفیقی متداول می‌باشد. در ادامه، در این فصل مدل مفهومی تحقیق ارائه شد و توضیحاتی در خصوص متغیرها، نمونه آماری و چگونگی جمع‌آوری و پردازش آنها برای آماده‌سازی جهت ورود به نرم-افزارهای آماری تشریح شد. در ادامه فصل به ماهیت مدل‌های پانل دیتا و روشهای تخمین و همچنین روش برآورد مدل پانل دیتا تشریح شد. در فصل چهارم نتایج روش‌های آماری توضیح داده شده در این فصل و مراحل اجرای آن تشریح شد و فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفت.

در فصل چهارم با توجه مبانی تئوری و تجربی که در فصل سوم پایان نامه اشاره شد به تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد آماری پرداخته شد. در بخش آمار توصیفی به ویژگی های آماری متغیرهای مدل و ماتریس همبستگی بین متغیرها پرداخته شد و در بخش آمار استنباطی نیز به بررسی مانایی یا همان ایستایی متغیرهای بکار رفته در مدل پرداخته شد. سپس به برآورد مدل جهت آزمون فرضیات تحقیق پرداخته شد و در ادامه تجزیه و تحلیل نتایج در انتهای فصل ارائه شد. نتایج بررسی مانایی متغیرها نشان داد که بر نتایج بررسی مانایی متغیرها نشان داد که تمامی متغیرهای تحقیق به صورت سطح مانا یا پایدار می باشند و به عبارت دیگر پایداری داده های مورد استفاده در تحقیق قبل از برآورد مدل های تحقیق مورد تأیید واقع می شوند. سپس نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن جهت برآورد مدلهای آماری جهت آزمون فرضیات نشان داد که جهت برآورد هر سه مدل باید بر اساس روش اثرات ثابت برآورد می شود. در ادامه نتایج آزمون فرضیات نشان داد که فرضیه اول تحقیق تایید و به عبارت دیگر بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد و این اثر منفی است. همچنین فرضیه دوم تحقیق تایید و بطوریکه بین ضریب کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب اثر کمیته های حسابرسی بر رابطه بین بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود در آزمون فرضیه سوم بطور معنی داری تایید شد و بطوریکه کمیته های حسابرسی منجر به کاهش اثر بیش ارزشیابی سهام بر مدیریت سود می شود. سایر نتایج نشان داد که در هر سه مدل، معنی داری اثر مثبت اندازه شرکت و فرصت های رشد بر مدیریت سود تایید و اثر منفی اهرم مالی بر مدیریت سود تایید و با افزایش درجه اهرم مالی میزان مدیریت سود نیز کاهش می یابد.

. منابع و مآخذ:

- حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه. (۱۳۸۹). «رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی»، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱، صص ۸۵-۹۸.
- خالقی مقدم، حمید و خالقی، علیرضا. (۱۳۸۸). «شفافیت شرکتی در ایران و عوامل موثر بر آن»، مطالعات حسابداری، شماره ۲۱، صص ۳۱-۶۰.
- سجادی، سید حسین؛ فرازمند، حسن و قربانی، صادق. (۱۳۹۱). «تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی»، مجله پیشرفت های حسابداری، سال چهارم، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۱، صص ۸۱-۱۰۸.
- قردان، احسان، فغانی ماکرانی، خسرو، قریشی نیا، دلکش، شاه مرادی، شهین، ۱۳۹۶، بررسی رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و کاهش هزینه نمایندگی ناشی از مدیریت سود تعهدی، دانش حسابرسی، زمستان ۱۳۹۶، دوره ۱۷، شماره ۶۹، از صفحه ۱۷۳ تا صفحه ۱۹۱.
- جامعی، رضا، رستمیان، آزاده، ۱۳۹۵، تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده، دوره ۸، شماره ۲۹ - شماره پیاپی ۲۹، صفحه ۱۷-۱.
- صفری گرایلی، مهدی، رضائی پشته نوئی، یاسر، نوروزی، محمد، ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت سال ششم / شماره ۴۲ / زمستان ۱۳۹۶
- نصیرزاده، فرزانه، اورادی، جواد، رجبعلیزاده، جواد، ۱۳۹۶، بررسی تأثیر ویژگیهای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۲۴، از صفحه ۳۹ تا ۵۲

- Collins, D.W., Simonds, R., (1979). "SEC line-of-business disclosure and market risk adjustments", *Journal of Accounting Research* 17, pp. 352-383.
- Kabir, M.H., Hassan, M.K., (2005). "The near-collapse of LTCM, US financial stock returns, and the fed", *Journal of Banking and Finance* 29, pp 441-460.
- Markowitz, H, M. (1952). Portfolio Selection. *Journal of Finance*, v7(1), 77-91.
- Myers, J., Myers, L., and T. Omer. (2003). "Exploring the term of the auditor client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation?", *The Accounting Review* 78 (3):pp. 779-800.

The impact of audit committees on the relationship between stock overvaluation and earnings management

Leila Jafari ¹

Ali Asghar Mottaqi ²

Abstract

As is evident from the oversight of audit, management and decision-making committees, given the impact that auditors have on the transparency of the financial reporting environment, the reduction of information asymmetry and the value of the company, more on their investment opportunities and efficiency. Investments are planned and therefore can have a significant impact on the actual valuation of corporate stocks by investors. This study also examines the relationship between stock overvaluation and earnings management, the relationship between audit committees and earnings management and the role of audit committees on the relationship between stock overvaluation and earnings management using data panel model among 150 companies accepted in Tehran Stock Exchange pays in the period of 1391-1394. The results of testing the research hypotheses showed that the first hypothesis of the research was confirmed and in other words there is a significant relationship between stock overvaluation and earnings management and this effect is negative. Stock valuation is based on earnings management. Also, the second hypothesis of the research is confirmed and there is a significant relationship between the coefficient of the audit committee and profit management. Also, the coefficient of the effect of audit committees on the relationship between stock overvaluation and earnings management was significantly confirmed in the third hypothesis test, so that audit committees lead to a reduction in the effect of stock overvaluation on earnings management. Other results showed that in all three models, the positive effect of firm size and growth opportunities on profit management is significant and the negative effect of financial leverage on profit management is confirmed and with increasing the degree of financial leverage, the amount of profit management decreases.

Keyword

AUDIT COMMITTEE, OVERVALUATION, EARN MANAGEMENT, TEHRAN STOCK EXCHANGE

1 Master of Science, Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tabriz, Iran.

2 Specialized Doctorate in Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tabriz, Iran.